

ماجرای اصابت گلوله به سر نماینده مجلس

ممیزی‌های شگفت‌انگیز در دوران میرسلیم

میرسلیم این روزها در شبکه‌های اجتماعی در اوج است؛ هر صفحه‌ای که باز می‌شود، این نماینده مجلس در حال گفتن جمله معروف «لندکروز با پژو ۲۰۶ تفاوتی ندارد» است؛ سخنانی که در یک برنامه زنده تلویزیونی بیان کرد و پس از چند روز، از مجری و تهیه‌کننده و میهمان دیگر برنامه که او هم یک نماینده مجلس است، شکایت کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، پوشش خاصی دارد؛ شکل آرایش صورتش هم همین‌طور. کمتر با کتی غیر از کت یقه گرد دیده شده؛ پیراهن‌هایش هم یقه‌ای شبیه به کت‌هایش دارند. آرایش محاسنش هم متفاوت است؛ ریش‌هایی با زاویه قائمه که از کنار گوش شروع می‌شود و به چانه‌اش می‌رسد؛ سیپیل‌های او اما چندین درجه از ریش‌هایش کوتاه‌تر است. با لحن خشک حرف می‌زند و صاف می‌نشیند. همین‌هاست که «مصطفی میرسلیم» را متفاوت کرده است.

میرسلیم این روزها در شبکه‌های اجتماعی در اوج است؛ هر صفحه‌ای که باز می‌شود، این نماینده مجلس در حال گفتن جمله معروف «لندکروز با پژو ۲۰۶ تفاوتی ندارد» است؛ سخنانی که در یک برنامه زنده تلویزیونی بیان کرد و پس از چند روز، از مجری و تهیه‌کننده و میهمان دیگر برنامه که او هم یک نماینده مجلس است، شکایت کرد.

تحصیل در فرانسه با دلار ۷ تومانی

نام کاملش «سید مصطفی آقا میرسلیم» است و ۷۶ ساله؛ او سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. او از فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز است؛ دبیرستانی معروف در تهران که شخصیت‌های زیادی در آن درس خوانده‌اند. روایت شده که خانواده او، خانواده‌ای مذهبی بوده‌اند. این خانواده مذهبی، سال ۱۳۴۴ خورشیدی، فرزند خود را برای تحصیل به فرنگ فرستادند تا مهندس شود. او با دلار حدود ۷ تومانی، راهی شهر «پواتیه» در فرانسه شد و در دانشگاه این شهر مشغول درس و مشق. رشته میرسلیم، مکانیک بود و سال ۱۳۴۹ توانست فوق لیسانس خود را بگیرد. او از فرانسه بازنگشت و سال ۱۳۵۱ پس از دو سال تحصیل در مدرسه عالی نفت و موتور پاریس، توانست تخصص در رشته مهندسی موتورهای درون‌سوز را از این موسسه آموزشی دریافت کند. میرسلیم زمانی که در فرانسه دانشجوی بود، عضو موسس انجمن اسلامی مسلمانان در ایالت آلزاس شد؛ همانجا بود که با ابوالحسن بنی‌صدر آشنا شد و پای سخنرانی‌های او می‌نشست.

مدیر در زمان حکومت پهلوی

پس از پایان تحصیلاتش، سه سال یعنی تا ۱۳۵۴ در شرکت صنایع مکانیک آلزاس مشغول کار شد، اما آن سال تصمیم به بازگشت گرفت؛ او احساس کرده بود که ماندنش در فرانسه بیشتر به نفع این کشور است تا خودش. سرانجام به تهران بازگشت و عضو هیات علمی دانشگاه «پلی‌تکنیک» یا همان «امیرکبیر» فعلی درآمد. همزمان که به گفته خودش مبارزات انقلابی می‌کرد، از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ ذیل حکومت پهلوی، مدیر بهره‌برداری شرکت راه‌آهن شهری تهران و حومه بود: «با اعتقادی که به آن راه‌حل (استفاده از مترو برای جابه‌جایی شهری) داشتم و دارم، در پی آگهی استخدام آن شرکت در ۱۳۵۴، اعلام آمادگی نمودم و به عنوان مدیر بهره‌برداری مشغول شدم. این سمت را تا ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب حفظ کردم.»

اصابت تیر به سر و شست‌وشو کنار باغچه

او روایتی دارد از شرکت در تجمع قیطریه تهران به تاریخ ۱۶ شهریور ۳۵۷ که حین این تجمع مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. میرسلیم می‌گوید «نرسیده به خیابان دولت صدای چند تیراندازی بلند شد و یکی از آنها به سر من اصابت کرد، چون خونریزی شدید بود، نتوانستم مسیر راهپیمایی را ادامه دهم.» همچنان که گلوله به سرش خورده بود و خونریزی شدیدی داشت، در خیابان‌های اطراف محل رفت و به گفته خودش، با کمک فردی که مشغول آبیاری باغچه خانه‌اش بوده، سرش را شست‌وشو داده و پس از آن به راهش ادامه داد؛ در همین حال بنا به روایتش، همین اصابت گلوله باعث شد تا در تجمع ۱۷ شهریور میدان ژاله نتواند شرکت کند.

به گفته میرسلیم او در مسجد امیرالمومنین که امام جماعت آن موسوی اردبیلی بود، کار سیاسی می‌کرد. دی‌ماه ۱۳۵۷ و هنگامی که او مدیر بهره‌برداری شرکت راه‌آهن شهری تهران در حکومت پهلوی بود، بنا شد که پیام جامعه اسلامی دانشجویان را به امام برساند؛ به پاریس رفت و با کمک بنی‌صدر در نوفل‌لوشاتو با امام دیدار کرد.

کمتر از دو ماه بعد از سفر میرسلیم به پاریس مصادف شد با پیروزی انقلاب اسلامی و حالا دیگر میرسلیم که در دسته انقلابیون بود، به فعالیت‌های خودش ادامه داد و دیگر یک مدیر در سیستم پهلوی نبود.

همان روزهای پیروزی انقلاب ایران، حزب «جمهوری اسلامی» در حال تشکیل بود و میرسلیم به دعوت موسوی اردبیلی به عضویت «جمهوری اسلامی» درآمد. سابقه آشنایی میرسلیم و موسوی اردبیلی به حضور این دو در مسجد امیرالمومنین خیابان فرصت تهران باز می‌گردد.

بهمن ۱۳۵۸ ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری رسید و پس از آن در بهار ۱۳۵۹ مجلس اول با حضور اکثریت نامزدهای حزب جمهوری‌اسلامی شکل گرفت. حزب و بنی‌صدر که با یکدیگر اختلافات عمیقی داشتند، بر سر معرفی نخست‌وزیر به بن‌بست سیاسی رسیدند. پس از مخالفت امام با پیشنهاد بنی‌صدر مبنی بر معرفی سیداحمد خمینی به عنوان نخست‌وزیر، رئیس‌جمهوری راه رسیدن به تفاهم را در معرفی یکی از اعضای حزب جمهوری اسلامی یافت. بنی‌صدر که با میرسلیم از زمان حضور در فرانسه آشنا بود، به میرسلیم پیشنهاد کرد که او را برای نخست‌وزیری به مجلس معرفی کند. میرسلیم درباره معرفی شدنش به عنوان نخست‌وزیر گفته که «در حزب جمهوری اسلامی، افرادی مطرح شدند از جمله فارسی، مرحوم پرورش، غرضی، مرحوم رجایی و میرسلیم. شناخت بنی‌صدر از اینجانب بیشتر به فعالیت‌های خیرخواهانه اینجانب بعد از پیروزی انقلاب برمی‌گردد... در این مرحله بنی‌صدر ناگزیر شد اینجانب را که در عمل و پایبندی به اصول پسندیده بود، بر مبنای معرفی حزب، به مجلس برای رای تمایل پیشنهاد دهد. به نظر می‌رسد در آن مرحله، بنی‌صدر می‌خواست قواعد مردم‌سالاری را زیر پا نگذارد و با چنان انتخابی موفقیت خود را با حفظ ظاهری سلامت و دوری از جنجال، در جریان فعالیت‌های سیاسی جمهوری اسلامی نوپا، پیوند بزند. در اینکه رفتارهای بنی‌صدر بدون سوءظن نبود شک نباید کرد اما همه می‌دانستند که معرف اصلی اینجانب حزب است و بنی‌صدر بر مبنای محاسبه سیاسی به آن تن در داده است، پس باید جریانات سیاسی درون حزب را عامل اصلی وقایع بعدی دانست و به نظر می‌رسد همان‌هایی که در شورای مرکزی حزب، با محوریت مهندس موسوی، نظر موافق با معرفی اینجانب نداشتند، در مجلس مانع از ابراز تمایل نسبت به اینجانب شدند و در نتیجه بنی‌صدر پیشنهاد خود را پس می‌گیرد و فرآیندی آغاز می‌شود که منجر به انتخاب مرحوم شهید رجایی به عنوان نخست‌وزیر می‌شود.»

اولین پست مدیریتی

اولین پست مدیریتی او در حکومت جدید، معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور بود. در روزهایی که میرسلیم روی صندلی معاونت سیاسی و اجتماعی وزارت کشور می‌نشست، این وزارتخانه ۶ وزیر به خود دید: «احمد صدر حاج‌سیدجوادی»، «هاشم صباغیان»، «اکبر هاشمی‌رفسنجانی»، «محمدرضا مهدوی‌کنی»، «سید کمال‌الدین نیک‌روش» و «علی‌اکبر ناطق نوری».

سه سال در این سمت باقی ماند؛ سه سالی که چندین انتخابات در کشور برگزار شد؛ از همه‌پرسی قانون اساسی گرفته تا اولین دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی. میرسلیم به نخست‌وزیری نرفت و در این سال‌ها همزمان معاونت وزارت کشور، سمت‌های دیگری هم داشت؛ از سرپرستی شهربانی با حکم مهدوی‌کنی گرفته تا سرپرست امور مهاجرین جنگ در زمان نخست‌وزیری رجایی.

او در زمان ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۸ سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری و مشاور عالی آیت‌الله خامنه‌ای بود.

پس از آنکه رهبری بر عهده آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت و هاشمی‌رفسنجانی هم ریاست‌جمهوری را، میرسلیم با حکم هاشمی‌رفسنجانی مشاور او در امور تحقیقات شد. این رویه ادامه داشت تا اسفند ۱۳۷۲. با استعفای محمد خاتمی از وزارت ارشاد در تابستان ۱۳۷۱، علی لاریجانی برای این وزارتخانه به مجلس معرفی شد و تا اسفند ۱۳۷۲ سکاندار ارشاد بود. با انتصاب لاریجانی به ریاست صداوسیما، هاشمی‌رفسنجانی میرسلیم را به عنوان وزیر ارشاد انتخاب کرد. در همان سال ۱۳۷۲، میرسلیم به عضویت حزب بازاری و پولدار «موتلفه اسلامی» درآمد و در رده‌های بالای این حزب مشغول فعالیت شد. در همین حال او وزارت ارشاد را هم قرار بود عهده‌دار شود. از همان سال، او دبیری شورای عالی انقلاب فرهنگی تا سال ۱۳۷۵ را برعهده داشت.

استخاره کرد؛ بد آمد!

در روز بررسی صلاحیت میرسلیم در مجلس چهارم، هاشمی‌رفسنجانی دلیل عدم استفاده از میرسلیم در امور اجرایی را این‌گونه بیان کرد: «نهایت رضایت را مقام معظم رهبری از کار ایشان داشتند، وقتی که من به ریاست‌جمهوری رفتم، با ایشان مشورت می‌کردم برای همکارانم، ایشان کاملاً نظر مساعد داشتند که با آقای میرسلیم کار کنیم که خود آقای میرسلیم به خاطر خستگی استخاره کرده بود، چون استخاره‌اش مساعد نبود ما کار مشورتی به ایشان ارجاع دادیم.»

در این جلسه میرسلیم از لزوم مقابله با آنچه «تهاجم فرهنگی» می‌خواند صحبت کرد و لزوم پایبندی به آرمان‌های انقلاب و اسلام. او در این سخنان گفت که «امروز یک فرهنگ مصرفی مبتذل، فرهنگ مبتنی بر اصالت رفاه مادیات و بی‌بند و باری در مقابل فرهنگ‌های مستقل دیگر ملت‌ها که زنده‌ترین آنها فرهنگ اسلامی است، قرار گرفته است.» میرسلیم همچنین تأکید کرده بود که «اساس کارها فرهنگ است و رشد فرهنگی نه تنها مقدم بر توسعه اقتصادی و اجتماعی است، بلکه اساسا زمینه‌ساز آن است و چه بسا عدم مراعات ارزش‌های فرهنگی نظیر انصاف، مروت، قناعت و انفاق، موجب رشد حرص و طمع و بی‌توجهی به مشکلات یکدیگر و احساس نیاز کاذب می‌شود که چون ارضا نشده باعث احساس محرومیت و سپس گرایش به سمت شیوه‌های انحرافی نظیر رشوه، اخاذی و کلاشی خواهد بود.»

جالب اینکه در جلسه رای اعتماد، فقط انصاری نماینده مشهد به عنوان مخالف ثبت‌نام کرده بود که صحبت نکرد و بقیه در موافقت با میرسلیم پشت تریبون رفتند. نهایتاً مجلس چهارم به ریاست ناطق‌نوری به میرسلیم برای تصدی وزارت ارشاد رای اعتماد داد: «۱۷۸ رای موافق»، «۲۷ رای مخالف» و «۱۹ رای ممتنع».

ممیزی‌های شگفت‌انگیز در دوران میرسلیم

دوران وزارت ارشاد میرسلیم یکی از دوران بسته و تاریک این وزارتخانه بود؛ به‌طوری که خود او می‌گوید «در صحن مجلس با استغفار از درگاه الهی از نمایندگان پوزش طلبیدم و اعلام کردم که ممیزی متمرکز را برای حل مشکل برقرار خواهم کرد و کردم و همین موجب نارضایتی مولفان و ناشرانی شد که

با استهزای فرهنگ کشور و خیانت به آن، فقط در فکر سوءاستفاده مالی و پرکردن جیب خود بودند و ادعا کردند وزارت به جلادی کتاب پرداخته است.» وزارت ارشاد تحت مدیریت میرسلیم ۲۸ ممیز برای نظارت بر کتاب‌ها قرار داده بود و آنها هم با تیغ‌هایی برنده، به جان کتاب‌ها می‌افتادند.

در کتاب «ممیزی کتاب» اثر احمد رجب‌زاده به ممیزی‌های تنها یک سال از وزارت ارشاد میرسلیم پرداخته که مواردی شگفت‌انگیز در آن دیده می‌شود. بنا بر این کتاب، آثاری از «رسول پرویزی»، «نادر ابراهیمی»، «اسماعیل فصیح»، «محمود دولت‌آبادی»، «نسرین ثامنی»، «امیر عشیری» و «هوشنگ گلشیری» که همگی از نویسندگان بنام و مشهوری بودند، در میان کتاب‌های «مشروط» و «غیرمجاز» در سال ۱۳۷۵ بود.

به نوشته «احمد رجب‌زاده»، «ممیز درباره هوشنگ گلشیری می‌نویسد: به خاطر محتوای اغلب داستان‌هایش و نیز موضع گلشیری علیه انقلاب و نظام قابل انتشار نیست»؛ «صدای موسیقی و شادی مساله جنگ را برای مدتی تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. (ممیز: حذف؛ احتمالا با این تلقی که نوعی نگاه منفی نسبت به جنگ از این عبارت فهم می‌شود)»؛ «کتاب «بر بال‌های پرواز» غزل تاجبخش به خاطر انقلابی شدن شخصیت‌های منفی غیرمجاز شناخته شد»؛ «در کتاب «افسانه‌های مشرق زمین» شخصیت تنبل و کم‌کار عبدالله نام داشت که باید نامش تغییر می‌کرد»؛ یا عجیب‌ترین مورد در بین موارد ممیزی، رمان «دلباخته» بود که بنا بر نظر ممیز، «دلبر» باید به «خواهر» تغییر می‌کرد یا در مورد دیگر برای کتابی دیگر، کلمه «عاشق» به «دوستدار» تغییر داده شد.

وبسایت «تاریخ ایرانی» در گزارشی به نقل از «ممیزی کتاب» موارد دیگری از عجایب دوران میرسلیم را نوشته است: «کلمه «شراب» تبدیل شود به «نوشیدنی»؛ «توی کوچه جلوی دختر مردم را گرفت و ماچ کرد» تبدیل شود به «توی کوچه جلوی مردم به دختر ناسزا گفت»؛ در جمله‌ای مانند «زانوی او را به نشانه ادب و اخلاص بوسید» بوسیدن باید حذف شود؛ عنوان کتاب «فرب‌خوردگان عشق» به «عاقبت غفلت» تغییر پیدا می‌کند؛ «گوشت خوک» تبدیل شود به «گوشت گاو»؛ عکس ماهاتما گاندی به دلیل «نیمه‌عربان» بودن حذف می‌شود؛ داستان «شغال و عرب» کافکا از کتاب «دیوار» حذف می‌شود با این استدلال که «کنار هم گذاشتن این دو واژه موهن است»؛ «آرایش و زیبایی» تغییر یابد به «مراقبت از پوست»؛ عنوان کتاب «عشق صدراعظم» تغییر یابد به «صدراعظم»؛ جمله «گاه‌گاهی آرایش کنید» تبدیل شود به «گاه‌گاهی به ظاهر خود برسید»؛ جمله «زن! من تو را می‌توانم خوشبخت کنم» تبدیل شود به «خواهرم! من تو را می‌توانم خوشبخت کنم»؛ «عاشق» تبدیل شود به «علاقه‌مند و دوستدار»؛ «وطن‌پرستی» تبدیل شود به «وطن‌دوستی»؛ «رفیق» تبدیل شود به چیز دیگری چون مارکسیست‌ها آن را به کار می‌بردند.»

«آدم برفی» آب شده!

یکی دیگر از حاشیه‌های دوران وزارت میرسلیم، سینما بود؛ پرحاشیه‌ترین فیلم این دوران، «آدم برفی» ساخته داوود میرباقری بود که به مدت سه سال توقیف شده بود. این فیلم ماجرای تلاش یک ایرانی برای مهاجرت را به تصویر کشیده بود که برای انجام آن دست به هر کاری می‌زند و نهایتا پشیمان شده و به کشور بازمی‌گردد.

میرسلیم در این باره گفته «من فیلم را دیدم و معاونت سینمایی ارشاد ایراداتی به آن گرفته بود. بر مبنای آن ایرادها با اکران آن مخالفت کردیم. حوزه هنری خدمت مقام معظم رهبری شکایت کرد که فیلم ما را اجازه اکران نمی‌دهند! آیت‌الله خامنه‌ای به من فرمودند که درباره این فیلم سختگیری نکنم و اکرانش ایرادی ندارد، من هم اطاعت کردم.» او افزوده «آن موقع نامه‌ای خدمت رهبری نوشتم که بر مبنای دستور شما اجازه اکران صادر شد، اما مساله‌ای وجود دارد که نیاز به راهنمایی شما دارد، از ایشان پرسیدم که «اگر اصل روش ما غلط است، بفرمایید تا اصل روش را اصلاح کنیم.» روش ما مبتنی بر نظر شخص وزیر نبود و نظر معاونت سینمایی و کارشناسان مطرح بود و یک روش علمی بود که البته بعدا با هیچ فیلمی به چالش نخوردیم، چون سعی‌مان مواجهه فنی و علمی با فیلم‌ها بود.» نهایتا اما فیلم از پرده پایین کشیده شد تا سال ۱۳۷۶ که خاتمی رییس‌جمهوری شد.

عضویت در مجمع

با نزدیک شدن به پایان دولت هاشمی‌رفسنجانی، اسفند ماه ۱۳۷۵، حکم انتصاب اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی آیت‌الله خامنه‌ای صادر و میرسلیم نیز به عنوان فرد حقیقی وارد این مجموعه شد. از آن سال به بعد حضور میرسلیم در سیاست کم شد؛ اما او همچنان به کارهای حزبی‌اش در چارچوب حزب مؤتلفه اسلامی ادامه داد. او سال ۱۳۷۸ معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص را برعهده گرفت؛ منصوب‌کننده او «حسن روحانی» رییس وقت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع بود. او مختصات حضورش در سیاست به مؤتلفه و مجمع محدود شده بود؛ در مجمع برای خودش کار می‌کرد و مشغول بود. سال ۱۳۹۷ محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، در حکمی او را به دبیری کمیسیون زیربنایی و تولیدی مجمع تشخیص مصلحت منصوب کرد؛ البته به مدت دو سال بود. سال ۱۳۹۶ هم او عضو «هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام» شد؛ هیاتی که مسوولیت «نظارت بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» را دارد.

حضور در انواع و اقسام انتخابات

در همان سالی که عضو این هیات مجمع شد، هوای ریاست‌جمهوری به سرش زد؛ برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم ثبت‌نام کرد و جزو تایید صلاحیت‌شدگان قرار گرفت؛ او شعارش را «راستی و درستی» و «حق گرفتنی است» قرار داده بود. او وارد مناظره‌های انتخاباتی شد؛ در تبلیغات انتخاباتی و مناظره‌ها بیش از آنکه برنامه‌ها و انتقادات میرسلیم نسبت به دولت مستقر مورد توجه قرار بگیرد، حرکات، سخنان و تکه‌کلام‌های او مورد استقبال مردم در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. شب انتخابات، در حالی که میرسلیم هنوز در میان نامزدها بود، حزب مؤتلفه در بیانیه‌ای با اعلام انصراف او، از ابراهیم ریسی حمایت کرد. در بیانیه مؤتلفه، میرسلیم «شخصیتی بزرگوار و واجد شرایط سپردن امانت الهی در مدیریت اجرایی کشور و ساده زیست و متعهد و دارای سوابق درخشان علمی و سیاسی و فرهنگی و خدماتی» معرفی شده بود و پس از این تمجیدها و تعارف‌ها، آورده بود که «بر اساس مشورت با بزرگان و علما و با تشکر از شخص میرسلیم از پذیرش نامزدی حزب و حضور فعال و مدبرانه در صحنه انتخابات اعلام می‌دارد که حزب مؤتلفه اسلامی با انصراف از نامزدی ایشان از حجت‌الاسلام ریسی، حمایت می‌کند و ان‌شاءالله در آینده از شخصیت ارزشمند میرسلیم استفاده مطلوب به عمل خواهد آمد.»

اما دقایقی بعد میرسلیم در بیانیه‌ای که در کانال تلگرامی‌اش منتشر کرد، به روشنی بیانیه موقوفه را رد کرد: «اینجانب انصراف نداده‌ام و کلیه بیانیه‌های مبنی بر انصراف را تکذیب می‌کنم. از همه علاقه‌مندان و دوستان و همراهان دعوت می‌کنم بدون توجه به این شایعات که حتی به نام حزب صادر می‌شود، اعتنا نکنند و با اطمینان به پای صندوق‌های رای حاضر شوند». این تک و پاتک‌های موقوفه و میرسلیم نشان‌دهنده میزان تنش در این حزب قدیمی و متمادی بود. نهایتاً میرسلیم با آرای کمتر از نیم میلیون، یعنی ۴۷۸ هزار و ۲۶۷ رای نفر سوم از میان چهار نامزد شد. البته که آرای سفید و باطله یک میلیون و ۲۰۰ هزار رای بود.

او در جریان انتخابات مجلس یازدهم، به عنوان سهم موقوفه در لیست محافظه‌کاران به سرلیستی محمدباقر قالیباف قرار گرفت و با ۸۹۲ هزار و ۳۱۸ رای توانست راهی بهارستان شود. او که نایب‌رییس سنی در نخستین جلسه مجلس یازدهم بود، خود را دوباره در معرض یک رای‌گیری دیگر قرار داد. این‌بار برای رقابت با قالیباف که نهایتاً با ۱۲ رای برابر ۲۳۰ رای قالیباف صحنه را باخت. در حالی که اکثریت محافظه‌کاران در مجلس یازدهم، بر ریاست قالیباف اجماع داشتند، میرسلیم برای نشان دادن مخالفتش با قالیباف نامزد ریاست شد.

ماجرای رشوه ۶۵ میلیاردی

میرسلیم پس از حضور در مجلس، نخستین تیر را به سمت قالیباف انداخت و در سخنانی کنایه‌آمیز و بدون نام بردن از کسی، گفت که «برای پس گرفتن یک طرح تحقیق و تفحص ۶۵ میلیارد تومان فقط به یک رییس کمیسیون در مجلس پرداخت شده است... تاکنون تعداد زیادی طرح‌های تحقیق و تفحص در مجلس به‌واسطه همین بده و بستان‌ها متوقف شده است».

او بعد از مدتی که سر و صداها بلند شد و کار به شکایت و شکایت‌کشی رسید، با تأکید بر گفته‌های قبش گفت «اینکه یکی از نمایندگان مجلس مبالغی را با واسطه از شهرداری در سال ۱۳۹۵ دریافت کرده است حرف من نیست، فعلی است که رخ داده و قابل انکار نیست. فرد دریافت‌کننده نیز بازداشت شده و حتماً درباره آنچه مرتکب شده بازجویی خواهد شد. مستنداتی که در اختیار داشته‌ام تقدیم دستگاه قضایی کرده‌ام و یقین دارم دستگاه قضایی به‌دقت تمام به این موضوع رسیدگی خواهد کرد و ابعاد پنهان آن فاش خواهد شد و این به نفع مجلس انقلابی و به مصلحت نظام ما است».

در همین روزها بود که سخنگوی هیات نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس خبر داد که میرسلیم در نشست این هیات «اسناد قابل قبولی ارائه نکرد و هیات نظارت دلایل ایشان را قانع‌کننده تشخیص نداده است». اما قالیباف از میرسلیم شکایت کرد و همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، میرسلیم محکوم شد. این محکومیت با واکنش تند میرسلیم روبه‌رو شد: «ما کاری با آقای قالیباف نداشتیم، گفتیم آن زمان که تحقیق و تفحص صورت گرفته، باید به نتیجه می‌رسید اما بین شروع تحقیق و تفحص تا نتیجه‌گیری آن یعنی در بازه زمانی ۶ ماهه یکی از نمایندگان ۶۵ میلیارد تومان از شهرداری و سازمان‌های وابسته به شهرداری که در راس آن شریفی قرار گرفته بود، پول گرفته که خودش هم اعلام کرده این کار برای تأثیر گذاشتن بین نمایندگان انجام شده و بعد هم شریفی محکوم شد و آن بنده خدا هم با وثیقه آزاد است؛ من نمی‌دانم شکایت برای چه بوده است... بالاخره آن زمان قالیباف شهردار بوده و مسوولان نمی‌توانند بگویند که مسائلی که در شهرداری می‌گذرد، شهردار در این زمینه اطلاعات ندارد و آگاه نیست». سرانجام این دعوای میرسلیم با قالیباف تا همین‌جا رسانه‌ای شده و از نتیجه فرجام و حکم و ... خبری رسانه‌ای نشده است.

محکومیت فرزند میرسلیم؛ اتهام: همکاری با منافقین

یکی دیگر از حواشی میرسلیم، دستگیری پسرش، مهدی میرسلیم است بابت همکاری با سازمان منافقین (مجاهدین خلق)؛ او در این باره گفته که «مهدی را ظاهراً پس از دو سال مراقبت، در تیرماه ۱۳۹۸ بازداشت و در بهمن ۱۳۹۸ به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور به پنج سال حبس محکوم کردند که پس از درخواست تجدید نظر و قطعی شدن حکم، در بهمن ۱۳۹۹ به زندان اوین برده شد». این درحالی است که وقتی صلاحیت میرسلیم برای حضور در انتخابات از سوی شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گرفته، فرزند او دارای محکومیت آن هم با اتهام همکاری با منافقین بوده است؛ موردی که انتقادات زیادی را به همراه داشت.

مهندس فرنگی؛ مخالف واردات خودرو

میرسلیم در حوزه تخصصی خود که همان موتور و خودرو باشد هم فعال است. او موسس و رییس اولین مرکز تحقیقات موتور ایران و ناظر عالی طراحی و ساخت اولین موتور پایه گازسوز (موتور ملی ایران) است. فروردین ماه ۱۳۸۹، ایران خودرو میزبان مقام رهبری شد تا ایشان از این مجموعه صنعتی بازدید کند. خط تولید موتور ملی خودرو یکی از محل‌های مورد بازدید بود و میرسلیم هم ناظر عالی طراحی و تولید موتور ملی. میرسلیم در سخنانی از تلاش ۱۲ ساله برای تولید موتور ملی گفت و افزود: «تمام مراحل طراحی و ساخت چهار موتور ملی به وسیله متخصصان و کارشناسان داخلی و با همکاری مراکز دانشگاهی انجام شده است. ساخت موتور دیزل سنگین یکی از موفقیت‌های بسیار بزرگ متخصصان داخلی است و دانش فنی ساخت موتورهای ملی به صورت کتاب تدوین شده و در حال چاپ است».

او در ماه‌های اخیر اظهارات شاذ و عجیب و غریبی درباره خودروهای ساخت داخل و خارجی بیان می‌کند. لندکروز را با ۲۰۶ مقایسه و شکایت می‌کند. او در یک مناظره با رشیدی کوچی نماینده دیگر مجلس که درباره واردات خودرو در صدا و سیما شرکت کرده بود، پس از آنکه رشیدی کوچی خودروهای داخلی را «آشغال‌های داخلی» نامید، موجب واکنش و شکایت میرسلیم شد؛ او در بخشی از شکایتش نوشته «رشیدی کوچی در مناظره از خودروهای داخلی به عنوان «آشغال‌های داخلی» نام برده که بی‌احترامی محرز به ساخت ایران‌رهر معظم انقلاب است». این بند از شکایت میرسلیم با واکنش یکی از اعضای دفتر رهبری روبه‌رو شد: «آنچه در نامه اخیر دفتر میرسلیم به صداوسیما «اهانت به رهبری» تلقی شده سخنی نسنجیده و ناصواب است». این مهندس فرنگ دیده و فرنگ درس خوانده، از مخالفان سفت و سخت واردات خودرو است؛ بسیاری از او بابت مخالفت‌هایش با واردات خودرو و عدم مقابله با سیطره آنچه «مافیای خودرو» می‌خوانندش، به‌شدت انتقاد می‌کنند. جامعه اگر بتواند با دوران تاریک وزارت ارشاد او کنار بیایند؛ یا چشم بستن شورای نگهبان در تایید صلاحیت او با وجود محکومیت فرزندش به ارتباط با منافقین را نادیده بگیرند؛ مخالفت‌های مهندس میرسلیم با واردات

خودرو آن‌هم در شرایطی که خودروهای داخلی روز به روز بی‌کیفیت‌تر می‌شوند را از یاد نخواهند برد.

اعتماد